

عنوان مقاله:

مدل آموزشی سر، قلب و دست (۳H) برای یادگیری پایدار

محل انتشار:

پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره 4، شماره 52 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

رضا علم - دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

فاطمه علیشاهی - کارشناس ارشد شیمی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، گلستان، ایران. نویسنده مسئول

خلاصه مقاله:

این مقاله مفهومی به ارائه مدل سر، قلب و دست برای یادگیری تحول آفرین می پردازد. این مدل از ترکیبی از ادبیات متنوع، مانند آموزش پایدار، نظریه های یادگیری تحول آفرین، یادگیری مبتنی بر مکان، رویکردهای یادگیری بومی، یادگیری تجربی، سواد زیست محیطی، نظریه برنامه درسی و تغییر مفهومی در کلاس های علوم مفهوم سازی شد. فرآیندهای دگرگونی برای تغییر اکو پارادایم انسان محور رایج فرهنگ غربی به سمت ارزش ها و رفتارهای پایدارتر ضروری هستند. سر، دست و قلب یک رویکرد جامع برای توسعه همسویی است که توسط اور (۱۹۹۲) معرفی شد و توسط سیپوس، باتیستی و گریم (۲۰۰۸) گسترش یافت. این مدل ماهیت کل نگر تجربه تحول آفرین را نشان می دهد و حوزه شناختی (سر) را به بازتاب انتقادی، حوزه عاطفی (قلب) را به دانستن رابطه ای و حوزه روانی حرکتی (دست ها) را به تعامل مرتبط می کند. سازه عمل گرایانه پیوگ (۲۰۰۲) از تجربه یادگیری تحول آفرین، ابزاری تحلیلی برای اندازه گیری تجربیات تحول آفرین از طریق ادراک گسترده (شناختی)، ارزش گسترده (عاطفی) و استفاده فعال از مفاهیم آموخته شده (روانی- حرکتی) ارائه می کند. این مدل نه تنها نشان دهنده ماهیت چند بعدی فرآیندهای تحول آفرین است، بلکه شامل اهمیت زمینه یادگیری نیز می شود. زمینه مکان چارچوبی از تجربه معتبر برای بازتاب عمیق تر، احساس تعلق و تحریک بدن/حسی فراهم می کند که به عنوان یک کاتالیزور برای درگیری عمیق مورد نیاز برای دگرگونی عمل می کند. ادبیات در حوزه های حوزه و همچنین اهمیت ارتباط طبیعت و عشق به مکان به ارزش های پایداری و رفتارهای طرفدار محیط زیست مورد بحث قرار می گیرد.

کلمات کلیدی:

یادگیری تحول آفرین، مدل سر، قلب و دست (۳H)، یادگیری پایدار.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1778652>

